

بررسی وضعیت دیوانسالاری ایران در عصر آل بویه

هادی خوش افتخار*

اشاره

آل بویه یکی از پنج خاندان حکومتگر متقارن در ایران بود که به سلطه مستقیم اعراب در قلمروی خویش پایان داد. با این حال بایستی تایید حکومت خویش را از خلیفه بغداد می‌گرفتند. ساختار حکومتی آنان به سه شعبه تقسیم شده که هر یک به صورت مستقل به اداره قلمروی خویش می‌پرداختند که حالتی ملوک الطوایفی داشت. در این پژوهش تشکیلات دیوانی آل بویه مورد بررسی قرار گرفته است. پایه و اساس این تشکیلات تقلید از سامانیان بود که آنان نیز از بغداد گرفته و بغداد خود وارث دیوانسالاری ساسانیان بود در این مبحث دیوان‌های آل بویه معرفی گردیده و برای این کار، گفتار تحقیقات و منابع به تقابل کشیده شده است. در مجالی دیگر به کارکرد و شرح وظایف هر یک از آنها پرداخته خواهد شد.

سابقه‌ی تأسیس دیوان‌ها در ایران به دوران کهن باز می‌گردد به گونه‌ای که نام ادارات دولتی در ایران باستان «دیوان»^۱ بوده و ریشه‌ی این واژه را حتی آسوری یا سومری نیز دانسته‌اند.^۲ از دوری هخامنشیان بعنوان نمونه از دیوان چاپار (برید) و تشکیلات چشم و گوش شاه می‌توان نام برد.^۳ نحوه‌ی خراج‌گیری، مالیات‌گیری و تقسیمات اداری و کشوری ساسانیان بویژه بعد از اقدامات اصلاحی خسرو اول که این تشکیلات را انسجام و استحکام بیشتری داد^۴ به الگوی مناسبی برای

* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه زاهدان

۱ - پیرنیا، حسن؛ *ایران قدیم*، اساطیر، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۳۳.

۲ - دهخدا، علی اکبر؛ *لغت نامه*.

۳- زرین کوب، عبدالحسین؛ *تاریخ ایران قبل از اسلام*، چاپ دوم، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۵۱؛ ر.ک، پیرنیا، حسن؛ *همان*، ص ۸۸.

۴ - در زمینه اقدامات اصلاحی خسرو اول و دلایل آن، ر.ک، کریستین سن، آرتور؛ *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، ویراستار دکتر حسن رضایی باغ بیدی، چاپخانه نیل، تهران، ۱۳۷۸، صص ۴-۲۶۳؛ ر.ک، زرین کوب، عبدالحسین؛ *همان*، صص ۵۰۰-۴۹۸؛ پیرنیا، حسن؛ *همان*، ص ۲۰۴.

فرمانروایان آینده تبدیل گشت. ظهور اسلام و فتوحات مسلمانان پای آنان را به سرزمین‌هایی بزرگ با ساختاری متفاوت از زاد بومشان باز نمود؛ جایی که از نظر اجتماعی و اقتصادی، مذهبی و نحوه‌ی کشورداری تفاوتی شگرف با سرزمین فاتحان مسلمان داشت. دوران خلفای راشدین و حکومت بنی امیه به تکمیل فتوحات، گسترش آنان و بعضاً سرکوب شورشها و قیامهای مناطق متصرفی قبلی گذشت (اگر چه در دوره‌ی عباسیان نیز قیامهایی نظیر سنباد، المقنع، بابک و ... بوجود آمد) و روی کار آمدن عباسیان به پدیدار شدن خلافت چند صد ساله‌ی آنان و مقارن آن روی کار آمدن حکومت‌های ملی و محلی در بهنه ایران منجر گردید.

در این گفتار چگونگی روی کار آمدن، عملکرد و نوع روابط این حکومتها با مرکز خلافت مدنظر نیست بلکه آنچه به آن پرداخته خواهد شد چگونگی سیستم اداری یکی از آنان و البته بسیار متفاوت و منحصر به فرد از آن میان، یعنی آل بویه است. متفاوت و منحصر به فرد از این نظر که بر خلاف سایر حکومت‌های متقارن موفق به تسخیر بغداد، مرکز خلافت شده و خلفا را تحت سلطه‌ی خویش درآوردند و مهمتر این که دارای ایدئولوژی متفاوت از دیگران، یعنی شیعه مذهب بودند.

در میان حکومت‌های متقارن، سامانیان اولین کسانی بودند، که چند دیوان برای گردش امور خود ایجاد کردند.^۱ اما سامانیان مبدع و مبتکر این کار نبودند، چه این که بغداد نیز دارای سازمانی

۱ - نرشخی در تاریخ بخارا دیوان‌های سامانیان را این گونه نام می‌برد: ۱- دیوان وزیر؛ ۲- دیوان مستوفی؛ ۳- دیوان عمیدالممالک؛ ۴- دیوان صاحب شرطه؛ ۵- دیوان صاحب مؤبد؛ ۶- دیوان شرف؛ ۷- دیوان مملکه خاص؛ ۸- دیوان محتسب؛ ۹- دیوان اوقاف؛ ۱۰- دیوان قضا. مصحح تاریخ بخارا کارکرد دیوان صاحب مؤبد را مشخص نکرده ولی حدس زده است که همان دیوان برید باشد اما برای این حدس خویش دلیل و مدرکی ارائه ننموده است. ر.ک. النرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر: *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصر القبادی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تصحیح و حواشی، سید محمد تقی مدرس، رضوی، چاپ دوم، انتشارات طوس، تهران، ۱۳۶۳، ص ۳۶ و ص ۲۱۴.

اما در تاریخ کمبریج نیز که نام دیوان‌های سامانیان را به نقل از تاریخ بخارا می‌آورد. دیوان شرف ذکر شده در تاریخ بخارا را دیوان مشرف یاد می‌کند و از دیوان صاحب مؤبد نیز نامی به میان نمی‌آورد. ر.ک. فرای، رن، (گردآورنده) *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه*، ترجمه حسن انوشه، چاپ اول، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۲۶.

گسترده و منظم برای گردش امور خود شده بود و سامانیان این عمل را از بغداد تقلید کردند به همان ترتیب که بغداد نیز خود آن را از تیسفون به عاریت برده بود.^۱

اما سخن درباره‌ی دستگاه اداری آل‌بویه با نحوه‌ی حکومت و نوع رابطه‌ی آنها با خلیفه پیوندی ناگسستگی دارد، درست است که آل‌بویه با تسخیر بغداد خلفا را تحت نظارت و کنترل خود درآوردند، اما این امر به معنای پایان کار و قدرت خلفا نبود و آل‌بویه تنها در همان حوزه‌های خویش حکومت داشتند.^۲ با آن که خلیفه در بغداد تحت نظر امیر بویه بود، اما این امر در باطن قضیه قرار داشت و در ظاهر خلیفه همان قدرت و اقتدار و تشکیلات خود را دارا بود و امیر قدرتمند بویه، عضدالدوله، به زمین بوسی خلیفه می‌رفت تا این که: «عضدالدوله» با الطائع مراسله‌ای کرد و گفت درخواست من این است که سواره داخل دارالسلام شوم تا ممتاز باشم و موقعیت من و زیادی تکریم نسبت به من آشکار شود و خواهش من این است که در برابر خلیفه پندهای زده شود تا کسی او را قبل از حضور من در پیشگاهش نبیند و قصدش از این کار این بود که مردم او را در حال بوسیدن زمین نبینند.^۳

اوج اقتدار آل‌بویه در دوران حکمفرمایی عضدالدوله بود و با این که وی اولین کسی بود که عنوان «پادشاه»^۴ را برای خود اختیار کرد، اما برای حکمفرمایی خود نیازمند مشروعیت قدرتی بود که از جانب خلیفه به وی واگذار شد.

«الطائع لله [به عضدالدوله] گفت: خواستم آنچه را که خداوند تبارک و تعالی از امور رعایا و تدبیر آن، در جمیع جهات در خاور و باختر زمین به من سپرده به تو بسپارم بجز خاصه خود و

۱ - رن. فرای (گردآورنده): همان، ص ۱۲۵.

۲ - برای آگاهی از این حوزه‌ها و مناطق، ر.ک: باسورث، کلیفورد ادموند: *سلسله‌های اسلامی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱، صص ۲-۱۵۰ و نیز ر.ک، لین پول، استانی: *تاریخ طبقات سلاطین اسلام*، ترجمه عباس اقبال، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳، صص ۸-۱۲۶.

۳ - صابی، ابوالحسن هلال بن محسن: *رسوم دارالخلافه*، تصحیح و حواشی، میخائیل عواد، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ اول، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶، ص ۵۹.

۴ - رن. فرای: همان، ص ۲۳۸.

اسبابی که از آن من است، پس تو اینها را با طلب خیر از خداوند بپذیر و متصدی شو. عضدالدوله گفت: خداوند مرا در فرمانبرداری از سرور ما امیرمؤمنان یاری خواهد فرمود، سپس عضدالدوله گفت: اکنون می‌خواهم که مطهر و عبدالعزیز بن یوسف و سران لشکر که با من داخل شده بودند بیایند تا سخن امیرالمؤمنین را درباره‌ی آنچه که مرا بدان مشرف کرده است، بشنوند و آنها در صف جداگانه‌ای در برابر آستانه میان دو رشته‌ی مرتبه داران ایستاده بودند، نزدیک شدند طائع گفت: حسین بن موسی و محمدبن عمر و ابن معروف و ابن ام شیبان و زینبی را هم بیاوردند، آنها را نیز آوردند و همه پشت سر عضدالدوله را احاطه کردند و الطائع سخن خویش را در مورد تفویض کارها به او و سپردن امور به وی تکرار کرد و سپس روگرد به طریف خادم و گفت طریف خلعت و تاج برای او بیاور . . .»^۱

اگر چه نقل قول مستقیم با این گستردگی شاید کار درستی نباشد، اما برای روشن شدن دقیق و چگونگی رابطه‌ی قدرتمندترین امیر بویهی با خلیفه آن هم به نقل از یک منبع دست اول لازم به نظر رسید و در نتیجه به نظر می‌رسد آل‌بویه خود موجد تشکیلات اداری نبوده بلکه کنترل تشکیلات بغداد را که از قبل وجود داشته، به دست گرفتند.

اما در بررسی دیوانهای این دوره بین منابع و تحقیقات بعضاً اختلافاتی وجود دارد. در کتاب «الوزراء»^۲ نام این دیوانها به چشم می‌خورد: دیوان النفقات^۳، دیوان الاعطاء^۴، دیوان الخاصه^۵، دیوان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ - صابی، ابوالحسن هلال بن محسن: همان، صص ۲-۶۱

* در گفتگوی بین خلیفه و عضدالدوله نکته‌ی حائز اهمیت و جدای از این مسائل توجه به زبان محاورهای آنان است. آیا عضدالدوله به عربی سخن می‌گفته یا خلیفه فارسی می‌دانسته است. در منابع به هنگام گفتگوی میان این دو از حضور مترجم سخنی به میان نیامده است.

۲ - الوزراء، اوتحفه الامراء فی تاریخ الوزراء، ابن الحسن الهلال بن المحسن الصابی، مراجعه و تقدیم، د.حسن الزین، دار الفكر الحدیث، للطباعه و النشر، بیروت، لبنان، ۱۹۹۰ م.

۳ - همان، ص ۱۴.

۴ - همان، ص ۱۶.

۵ - همان، ص ۲۰.

السواد^۱، دیوان المشرق^۲، دیوان الضیاع^۳، دیوان التوقيع^۴، دیوان المغرب^۵، دیوان الجیش^۶، دیوان الخراج^۷، دیوان بیت‌المال^۸، دیوان المستحدثه^۹، دیوان الدار^{۱۰}، دیوان الانشاء^{۱۱}، دیوان البريد و الخرائط^{۱۲}، دیوان زمام الخراج و الضیاع السلطانيه^{۱۳}، دیوان الاشراف^{۱۴}، دیوان المقبوضات^{۱۵}، دیوان المصادرین^{۱۶}، دیوان الدار الكبير^{۱۷}. همچنین در کتاب دیگر هلال صابی^{۱۸} نام دیوانهای رسائل^{۱۹}، دیوان خبر و بريد^{۲۰} و دیوان خاتم^{۲۱} آمده است.



- ۱- همان، ص ۲۲.
- ۲- همان، ص ۲۶.
- ۳- همان، ص ۲۷.
- ۴- همان، ص ۲۸.
- ۵- همان، ص ۲۹.
- ۶- همان، ص ۳۷.
- ۷- همان، ص ۴۷.
- ۸- همان، ص ۷۴.
- ۹- همان، ص ۷۴.
- ۱۰- همان، ص ۷۹.
- ۱۱- همان، ص ۹۱.
- ۱۲- همان، ص ۹۵.
- ۱۳- همان، ص ۱۵۴.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- همان، ص ۱۷۹.
- ۱۶- همان، ص ۱۸۰.
- ۱۷- همان، ص ۱۵۴.
- ۱۸- صابی، ابوالحسن هلال بن محسن: رسوم دارالافتاء، صص ۲-۶۱.
- ۱۹- همان، ص ۱۰۲.
- ۲۰- همان، ص ۵۵.
- ۲۱- همان، ص ۱۰۴.

در کتاب تجارب الامم^۱، نام دیوان سواد^۲، دیوان هزینه^۳، دیوان سپاه^۴، دیوان فارسی^۵ و دیوان خاص^۶ به چشم می‌خورد.

از تحقیقات صورت گرفته در این مورد در کتاب نظام حکومت ایران در دوران اسلامی^۷، نام دیوان‌های ذیل و آنها به نقل از کتاب «الوزرا» آمده است: دیوان الازمه، دیوان اعطاء، دیوان البر، دیوان بیت‌المال، دیوان الجیش، دیوان الخراج، دیوان الدار، دیوان السواد، دیوان الضیاع الخاصه، دیوان الخاصه، دیوان الاشراف، دیوان الانشاء، دیوان البرید، دیوان التواقیع، دیوان الخاتم و المستحدثه، دیوان الخرائط، دیوان الدار الکبیر، دیوان الضیاع، دیوان الفرض و الخاتم، دیوان المرافق، دیوان المغرب، دیوان المشرق، دیوان النفقات^۸.

در تحقیقی^۹ دیگر در مورد دیوان‌های آل‌بویه این نامها آمده است: دیوان رسائل^{۱۰}، دیوان سواد^{۱۱}، دیوان مشرق^{۱۲}، دیوان مغرب، دیوان ضیاع خاصه، دیوان مزارع اطراف فرات، دیوان زمام خراج و ضیاع عمومی در سواد، دیوان زمام نفقات و خزائن، دیوان دار، دیوان پر و صدقات، دیوان

۱- ابن مسکویه، تجارب الامم، ترجمه علی نقی منزوی، چاپ اول، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۵۷.

۲- همان، ص ۱۵۹.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان، ص ۳۱۸.

۶- همان، ص ۳۳۴.

۷- میر احمدی، مریم: نظام حکومت ایران در دوران اسلامی، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸.

۸- میر احمدی، مریم: همان، ص.

۹- فقیهی، علی اصغر: آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر، انتشارات صبا، تهران، ۱۳۶۵.

۱۰- همان، ص ۳۵۵.

۱۱- همان، ص ۳۶۵.

۱۲- همان، ص ۳۵۷.

سپاه، دیوان حرم، دیوان خاتم، دیوان برید^۱، دیوان الماء یا دیوان نهر^۲. اما در بررسی و تطبیق تحقیقات با یکدیگر در زمینه‌ی دیوانهای دوره‌ی آل‌بویه تفاوت‌هایی وجود دارد. به این صورت که از مقایسه و تطبیق نام دیوانهای درج شده در کتاب نظام حکومت ایران در دوره‌ی اسلامی که به نقل از الوزرای صابی آمده است، با اصل کتاب «الوزرا»، این موارد به چشم می‌خورد: از کتاب «الوزرا» نام «بیست» دیوان استخراج گردید حال آن که در کتاب نظام حکومت ایران نام بیست و چهار، دیوان به نقل از این منبع قید گردیده است که از این میان نام دیوانهای «الازمه (زامام)، البر، ضیاع الخاصه، خاتم، الفض و الخاتم و المرافق» در کتاب «الوزرا» دیده نشد و از طرفی نام دو دیوان به نامهای «دیوان المقبوضات» و «دیوان المصادین» در کتاب «الوزرا» آمده است که در کتاب نظام حکومتی ایران در دوره‌ی اسلامی نامی از آنها برده نشده است. اما از طرفی دیگر، در کتاب رسوم دارالخلافه از دیوان رسایل (انشاء)، دیوان خبر و برید و دیوان خاتم صحبت شده است. تجارب الامم از دیوانهای سواد، هزینه، سپاه، دیوان فارسی و دیوان خاص سخن به میان می‌آورد که از این میان نام دیوان هزینه و دیوان سپاه و دیوان فارسی در هیچ کدام از کتب نام برده شده نیامده است. از سویی دیگر در کتاب آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان از دیوان مزارع اطراف فرات، دیوان زمام خراج و ضیاع عمومی در سواد، دیوان حرم و دیوان الماء یا دیوان نهر، سخن به میان آمده که در هیچیک از کتب مورد بررسی قرار گرفته، نامی از آنها برده نشده است. اگر چه در این کتاب به نام دیوان سپاه که در تجارت الامم نیز آمده است، برمی‌خوریم، اما نام دیوان فارسی نیز در هیچیک از منابع و تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته دیده نمی‌شود. با این وصف به نظر می‌رسد در مورد دیوانهای آل‌بویه بایستی تحقیقاتی جدید صورت پذیرد و شاید ترجمه کتاب «الوزرا» اثر هلال صابی به فارسی در این زمینه بسیار راهگشا باشد.

اما گذشته از این مسأله، آنچه که در این مقایسه و تطبیق به نظر می‌رسد این است که «دیوان هزینه و دیوان سپاه و دیوان فارسی»، از ابداعات آل‌بویه بوده که قبلاً وجود نداشته است. شاید

۱- همان، ص ۳۵۷.

۲- همان، ص ۷۹۶.

با توجه به این که آل بویه به قولی یک نهاد خودکامه نظامی^۱ بوده، تشکیل دیوانی تحت عنوان «دیوان سپاه» اجتناب ناپذیر بوده است و نیز با توجه به ایرانی بودن آنها و عدم تسلط دبیران انتخابی و نیز خود امرای بویهی به زبان عربی، ایجاد «دیوان فارسی» نیز ضروری و حتمی به نظر آنان رسیده است.

در مورد دیوانهای برید و خرایط که به عنوان دو دیوان مستقل از هم یاد شده‌اند هلال صابی در الوزرا سخنی دیگر دارد که به دوران بعد از «مقتدر» بر می‌گردد. او می‌گوید: «فأما ابومروان عبدالملک بن محمد عبدالملک الزیات الخرائطی فكان یتولی دیوان الخرائط المسمی دیوان البرید وحده ثلاثین سنه»^۲ به این ترتیب این دو دیوان در یک دوره‌ی سی ساله به نام مستقل دیوان البر و الخرائط نامیده می‌شدند. و در عصر معتضد نیز دیوانهای مشرق و مغرب از دل دیوان الدار بوجود آمدند: «و انتزع مجلس المشرق من دیوان الدار و جعله دیواناً مفرزاً و قلده محمد بن داود رئاسه و ... و فعله مثل ایبه مع محمد بن داود فی انتزاع مجلس المغرب من دیوان الدار و تقلیده علی بن عیسی رئاسه»^۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - رن. فرای (گردآورنده): همان، ص ۲۱۸.

۲ - الوزرا، همان، ص ۹۵.

۳ - همان، ص ۷۹.

کتابنامه

- ۱- ابن مسکویه: *تجارب الامم*، ترجمه علی نقی منزوی، چاپ اول، توس؛ تهران، ۱۳۷۶، جلد ۶
- ۲- انرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر: *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمدبن محمد بن نصر القبادی تلخیص محمدبن زفر بن عمر، *تصحیح و حواشی*، سید محمد تقی مدرس رضوی، توس، تهران، ۱۳۶۳.
- ۳- الصابی، ابن الحسن الهلال بن الحسن: *الوزراء، اوتحفه الامراء فی تاریخ الوزراء*، مراجعه و تقدیم، د. حسن الزین، دار الفكر الحديث، للطباعة و النشر، لبنان، ۱۹۹۰ م.
- ۴- باسورث، کلیفورد ادموند: *سلسله های اسلامی*، ترجمه فریدون بدره ای، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۵- پیرنیا، حسن: *ایران قدیم*، چاپ اول، اساطیر، تهران، ۱۳۷۳.
- ۶- زرین کوب، عبدالحسین: *تاریخ ایران قبل از اسلام*، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۸.
- ۷- صابی، ابوالحسن هلال بن محسن: *رسوم دارالخلافة*، تصحیح و حواشی، میخائیل عواد، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی: چاپ اول، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹.
- ۸- فرای، رن، (گردآورنده): *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه*، گروه نویسندگان، ترجمه حسن انوشه، چاپ اول، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- ۹- فقیهی، علی اصغر: *آل بویه و اوضاع زمان ایشان*، صبا، تهران، ۱۳۶۵.
- ۱۰- کریستین سن، آرتور: *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، ویراستار دکتر حسن رضایی باغ بیدی، ویراست اول، چاپخانه نیل، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۱- لین پول، استانی: *تاریخ طبقات سلاطین اسلام*، ترجمه عباس لقیال، دنیای کتب تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۲- میر احمدی، مریم: *نظام حکومت ایران در دوران اسلامی*، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸.